



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی
علوم قرآن و حدیث

عنوان

بررسی تاریخی خاندان پیامبران در قرآن و مقایسه‌ی آن با عهدین

استاد راهنما

دکتر محمدرضا وصفی

استاد مشاور

دکتر سالار منافی اناری

استاد داور

دکتر عباس اشرفی

دانشجو

سید روح‌اله شفیعی

تابستان ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

۳فهرست	
۸به جای درآمد	
۹سپاسگزاری	

گفتار یکم؛ کلیات پژوهش

۱۱زمینه ی پژوهش	۱-۱
۱۱بایستگی پژوهش	۲-۱
۱۲پرسش های کلیدی پژوهش	۳-۱
۱۲فرضیه ی پژوهش	۴-۱
۱۳تنگناهای فراروی پژوهش	۵-۱
۱۴یادآوری دو نکته ی دیگر	۶-۱

گفتار دوم؛ روش شناسی پژوهش

۱۸نگاهی گذرا به بررسی های تاریخی و تطبیقی در حوزه ی الاهیات	۱-۲
۱۸پیشینه و چیستی بررسی های تاریخی	۱-۱-۲
۲۱پیشینه و چیستی بررسی های تطبیقی	۲-۱-۲
۲۷جایگاه کتاب مقدس در دستگاه اندیشه ی یهودی و مسیحی	۳-۱-۲
۳۲در چیستی مقایسه ی قرآن و کتاب مقدس	۲-۲
۳۳پیشینه و چیستی بینامتنیت	۱-۲-۲
۳۷از بینامتنیت تا تفسیر قرآن	۲-۲-۲
۴۲کتاب مقدس و دادوستد بینامتنی با قرآن	۳-۲-۲
۴۴بازیابی پیشینه ی رهیافت تفسیری بینامتنی میان قرآن و کتاب مقدس	۴-۲-۲
۵۴رهیافت تفسیری بینامتنی میان قرآن و کتاب مقدس؛ مشکلی به نام اسرائیلیات	۵-۲-۲
۵۸رهیافت تفسیری بینامتنی میان قرآن و کتاب مقدس؛ مشکلی به نام تحریف	۶-۲-۲

گفتار سوّم؛ گردآوری و پردازش داده‌ها

۶۳سراغاز سخن	۱-۳
۶۴پیامبری و پیامبران؛ جستاری در مفهوم، جایگاه، ویژگی‌ها و کارکردها	۲-۳
۶۶برآورد واژگان	۱-۲-۳
۶۸نبی در کتاب مقدّس و قرآن	۱-۱-۲-۳
۷۹رسول در کتاب مقدّس و قرآن	۲-۱-۲-۳
۸۸تفاوت رسول و نبی در عهد جدید و قرآن	۳-۱-۲-۳
۹۱پیامبران؛ گزینش الاهی، خاستگاه اجتماعی و چالش‌ها	۲-۲-۳
۹۵سازوکارهای پیامبری و مراتب پیامبران	۳-۲-۳
۱۰۱کارکردها و ویژگی‌های پیامبران	۴-۲-۳
۱۰۲کارکرد مسئولیتی	۱-۴-۲-۳
۱۰۸کارکرد معرفتی	۲-۴-۲-۳
۱۱۱عصمت	۳-۴-۲-۳
۱۲۲سازوکارهای انتقال جایگاه و کارکردهای پیامبران در کتاب مقدّس و قرآن	۳-۳
۱۲۲برکت	۱-۳-۳
۱۲۶وراثت	۲-۳-۳
۱۳۵وصایت	۳-۳-۳
۱۳۹یوشع و جانشینی موسی ^(ع)	۱-۳-۳-۳
۱۴۴پتروس و جانشینی عیسی ^(ع)	۲-۳-۳-۳
۱۵۲خانواده و پیوندهای خویشاوندی از نگاه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی	۴-۳
۱۵۵نگرش کتاب مقدّس و قرآن به پیوندهای خویشاوندی خدا-انسان	۵-۳
۱۵۶عهد قدیم و پیوند خویشاوندی ویژه‌ی خدا با نژاد یهود	۱-۵-۳
۱۷۰عهد جدید و پیوند خویشاوندی ویژه‌ی خدا با نژاد یهود و کلیسا	۲-۵-۳
۱۷۵قرآن و پیوند خویشاوندی ویژه‌ی خدا با نژاد یهود و کلیسا	۳-۵-۳
۱۷۷عهد جدید و پیوند خویشاوندی ویژه‌ی خدا با عیسی ^(ع)	۴-۵-۳
۱۸۴قرآن و پیوند خویشاوندی ویژه‌ی خدا با عیسی ^(ع)	۵-۵-۳
۱۸۶نگرش کتاب مقدّس و قرآن به پیوندهای خویشاوندی انسان-انسان	۶-۳
۱۹۸خاندان پیامبران در کتاب مقدّس و قرآن؛ چشم‌اندازی کلی	۱-۶-۳
۲۰۲پیمایش گونه‌های پیوندهای خویشاوندی	۲-۶-۳

۲۰۳ خاندان پیامبران مشترک میان قرآن و کتاب مقدّس.....	۷-۳
۲۰۳ خاندان پیامبران پیشاابراهیمی در قرآن و کتاب مقدّس.....	۱-۷-۳
۲۰۴ خاندان آدم ^(ع) ؛ انسان و دو گناه سرنوشت ساز.....	۱-۱-۷-۳
۲۰۵ همسر.....	۱-۱-۱-۷-۳
۲۰۹ فرزندان بی واسطه.....	۲-۱-۱-۷-۳
۲۱۲ فرزندان مجازی.....	۳-۱-۱-۷-۳
۲۱۹ نوح ^(ع)	۲-۱-۷-۳
۲۲۳ پدر و مادر بی واسطه.....	۱-۲-۱-۷-۳
۲۲۵ همسر.....	۲-۲-۱-۷-۳
۲۲۶ فرزندان بی واسطه.....	۳-۲-۱-۷-۳
۲۳۰ فرزندان مجازی.....	۴-۲-۱-۷-۳
۲۳۱ خاندان حقیقی.....	۵-۲-۱-۷-۳
۲۳۲ برادران مجازی.....	۶-۲-۱-۷-۳
۲۳۳ لوط ^(ع)	۳-۱-۷-۳
۲۳۵ همسر.....	۱-۳-۱-۷-۳
۲۳۸ فرزندان بی واسطه.....	۲-۳-۱-۷-۳
۲۴۰ خاندان حقیقی.....	۳-۳-۱-۷-۳
۲۴۲ برادران مجازی.....	۴-۳-۱-۷-۳
۲۴۳ خاندان پیامبران ابراهیمی در قرآن و کتاب مقدّس.....	۲-۷-۳
۲۴۴ ابراهیم ^(ع) ؛ بنیان گذار خاندان.....	۱-۲-۷-۳
۲۵۱ پدر و مادر بی واسطه.....	۱-۱-۲-۷-۳
۲۵۸ همسران.....	۲-۱-۲-۷-۳
۲۶۴ فرزندان بی واسطه؛ چالش بر سر وراثت.....	۳-۱-۲-۷-۳
۲۸۰ فرزندان باواسطه.....	۴-۱-۲-۷-۳
۲۸۳ خاندان مجازی.....	۵-۱-۲-۷-۳
۲۸۵ اسماعیل ^(ع)	۲-۲-۷-۳
۲۸۷ اسحاق ^(ع)	۳-۲-۷-۳
۲۸۷ همسر.....	۱-۳-۲-۷-۳
۲۸۹ فرزندان بی واسطه؛ چالش بر سر برکت.....	۲-۳-۲-۷-۳
۲۹۹ یعقوب ^(ع)	۴-۲-۷-۳
۳۰۰ پدر باواسطه.....	۱-۴-۲-۷-۳
۳۰۱ فرزندان بی واسطه.....	۲-۴-۲-۷-۳
۳۰۲ فرزندان باواسطه.....	۳-۴-۲-۷-۳

۳۰۷خاندان مجازی.....	۴-۴-۲-۷-۳
۳۰۸یوسف ^(ع)	۵-۲-۷-۳
۳۱۶پدر و مادر بی واسطه.....	۱-۵-۲-۷-۳
۳۱۸برادران با واسطه.....	۲-۵-۲-۷-۳
۳۱۸موسی ^(ع) ؛ پیامبری بزرگ با خاندانی کوچک.....	۶-۲-۷-۳
۳۳۱پدر و مادر بی واسطه.....	۱-۶-۲-۷-۳
۳۳۴خواهر بی واسطه.....	۲-۶-۲-۷-۳
۳۳۵خاندان حقیقی.....	۳-۶-۲-۷-۳
۳۳۸خاندان مجازی.....	۴-۶-۲-۷-۳
۳۳۹هارون ^(ع) و کهانت خاندانی.....	۷-۲-۷-۳
۳۴۴خاندان حقیقی.....	۱-۷-۲-۷-۳
۳۵۱داود ^(ع) و پادشاهی خاندانی.....	۸-۲-۷-۳

۳۵۵ پدر با واسطه ۱-۸-۲-۷-۳

۳۵۶ همسران ۲-۸-۲-۷-۳

۳۵۹ خاندان مجازی ۳-۸-۲-۷-۳

۳۶۰ سلیمان^(ع)؛ جانشین داود^(ع) ۹-۲-۷-۳

۳۶۴ پدر مجازی ۱-۹-۲-۷-۳

۳۶۵ پدر بی واسطه ۲-۹-۲-۷-۳

۳۶۵ همسران ۳-۹-۲-۷-۳

۳۶۷ یحیی^(ع) ۱۰-۲-۷-۳

۳۷۱ پدر با واسطه ۱-۱۰-۲-۷-۳

۳۷۲ پدر و مادر بی واسطه.	۲-۱۰-۲-۷-۳
۳۷۴ عیسی (ع).	۱۱-۲-۷-۳
۳۷۶ پدر و مادر بی واسطه.	۱-۱۱-۲-۷-۳
۳۸۷ پیامبرانی که سخنی از خاندان شان در کتاب مقدس و قرآن نیست.	۳-۷-۳
۳۸۷ ادریس (ع).	۱-۳-۷-۳
۳۹۱ ایوب (ع).	۲-۳-۷-۳
۳۹۷ الیاس (ع) و الیسع (ع).	۳-۳-۷-۳
۴۰۷ یونس (ع).	۴-۳-۷-۳
۴۱۱ خاندان پیامبران ویژه قرآن.	۸-۳
۴۱۱ هود (ع).	۱-۸-۳
۴۱۲ برادران مجازی.	۱-۱-۸-۳
۴۱۳ صالح (ع).	۲-۸-۳
۴۱۴ خاندان حقیقی.	۱-۲-۸-۳
۴۱۴ برادران مجازی.	۲-۲-۸-۳
۴۱۵ شعیب (ع).	۳-۸-۳
۴۱۷ خاندان حقیقی.	۱-۳-۸-۳
۴۱۷ برادران مجازی.	۲-۳-۸-۳

گفتار چهارم؛ دستاوردهای پژوهش

۴۲۱ آنچه گذشت.	۱-۴
۴۲۱ این پژوهش نشان می دهد.	۲-۴
۴۲۷ واپسین سخن.	۳-۴
۴۲۸ گزیده‌ی منابع.	

﴿ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ ﴾
(قرآن کریم؛ سوره ی اعراف (۷)، آیه ی ۴۳)

به جای درآمد

به گواهی تحقیقی که در نخستین نیم سال تحصیلی دوره ی کارشناسی ارشد خود، برای درس «مفردات قرآن» فراهم آوردم؛ زمینه ی پدیدآوردن چنین پژوهشی، از همان آغاز راه، در ذهن من جای داشت. آنچه آن تحقیق بی سروته را تبدیل به این پژوهش نمود، تنها همین یک جمله ی استاد ارجمند آن درس؛ جناب آقای دکتر وصفی، که اکنون استاد راهنمای این پژوهش است، بود: «خوب است، اما باید در این باره کتاب مقدس را هم ببینی!...». اما این همه ی داستان نبود؛ کار هنگامی بالا گرفت که؛ گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبایی، بر عنوان پیشنهادی من برای این پژوهش، واژه ی «تاریخی» را نیز افزود. شاید باورکردنی نباشد؛ اما همین یک واژه ی ساده، مرا که یک دانشجوی معمولی قرآن و حدیث بودم و هستم، برآن داشت که؛ دامنه ی

بررسی‌های خود را تا مرز آشنایی با دو آیین یهودیت و مسیحیت، و خواندن درس‌نامه‌های رسمی، دانش‌نامه‌ها و نوشتارهای پژوهشی حوزه‌ی ادیان ابراهیمی، گسترش دهم. از این‌روی؛ می‌خواهم آنچه اینک در برابر شما خواننده‌ی گرامی است را، نه پایان‌نامه؛ که سفرنامه، بخوانم. «پایان»، واژه‌ی چندان زیبنده و برازنده‌ای برای سرگذشت ما دو تن نیست؛ بسی بیشتر از آنچه رخ داد، یک‌سویه و گسسته است. مرا اما با آنچه در پیش روی شماست، هم پیوندی دوسویه بود، و هم بی‌بسته. آری! به‌درستی نمی‌دانم من او را نگاشتم یا او مرا؟! حقیقت آن است که؛ نه این پایان‌نامه آن شد که من می‌پنداشتم، و نه من خود آن هستم که بودم. من و آنچه در پیش روی شماست، با هم پای در راه گذاشتیم، بالیدیم، زیستیم، و هم‌اینک نیز روانیم. پس بهتر است بگویم؛ من و او، دست در دست هم، سفری را آغاز نمودیم، هنوز در راه هستیم؛ راهی که شاید هرگز پایان نیابد. چنین است که می‌پندارم؛ بهتر است آن را سفرنامه بخوانم.

سپاسگزاری

از سروران بزرگواری که هریک به‌گونه‌ای مرا در این راه یاری نمودند، و دست‌نیازم را به‌گرمی فشردند، سپاسگزاری می‌نمایم؛ به‌روزی، تندرستی و نیک‌فرجامی ایشان را از درگاه خدای یکتا درخواست می‌کنم:

- آقای دکتر عباس اشرفی، آقای دکتر محمدحسین بیات، آقای دکتر سیدمحمد مهدی جعفری، آقای دکتر عبدالرحیم سلیمانی‌اردستانی، آقای دکتر کورش صفوی، آقای دکتر سیدماجد غروی‌نیستانی، آقای دکتر سیف‌علی قائمی، آقای دکتر علیرضا قائمی‌نیا، آقای مهندس محمدحسن (سپهر) محمدی‌اردهالی،

- آقای دکتر سالار منافی‌اناری؛ استاد دانشگاه علامه طباطبایی و استاد مشاور این پژوهش. مردی که در عمل از او آموختم؛ آشنایی با زبان انگلیسی، تاجه‌اندازه برای یک دانشجوی قرآن و حدیث بایسته و راهگشاست،

- آقای دکتر محمدرضا وصفی؛ استادیار دانشگاه تهران و استاد راهنمای این پژوهش. مردی که با منش و اندیشه‌اش، مرا شیفته‌ی خود نمود. کسی که از او آموختم؛ شناخت قرآن، بی‌آن‌که به شناخت کتاب‌مقدس پردازم، و در دورنمایی گسترده‌تر؛ شناخت اسلام، بی‌آن‌که به شناخت یهودیت و مسیحیت پردازم، کاری ناتمام خواهد بود. خدای را سپاس می‌گویم و بر خود می‌بالم که توانستم این پژوهش را زیر نظر ایشان به‌انجام رسانم، و از چنین گوهر ارزش‌مندی بی‌بهره نمانم.

از همه‌ی کارکنان پرتلاش دانشگاه علامه طباطبایی و کتابخانه‌ی ملی ایران، و نیز از همکاران خود؛ آقایان محسن بازرگان و بهرام نوری‌زینال، که هریک به‌گونه‌ای مرا در فراهم‌ساختن این پژوهش یاری نمودند، بسیار سپاسگزارم. از همسرم؛ سرکار خانم نرگس شیخ‌قزایی، که با برنامه‌ریزی سنجیده‌ی خود، فرصت و فراغت پرداختن به این پژوهش را برایم فراهم ساخت؛ با همه‌ی کمبودها و تنگناهای زندگی مشترک‌مان، بزرگواران و

دوستانه کنار آمد، و رنج به دوش کشیدن همه‌ی بار مسئولیت مرا بر خود هموار نمود، سپاسگزاری ویژه می‌نمایم. برای او و تنها فرزندم؛ ریحانه‌سادات، که در راه پرداختن این پژوهش، کمتر توانستم در کنارشان باشم، آرزوی بهترین‌ها را دارم.

س. ر. شفیع‌ی

تهران

شهریورماه ۱۳۹۱

گفتار یکم؛ کلیات پژوهش

۱-۱ زمینه‌ی پژوهش

در ادیان ابراهیمی، پیامبران به‌عنوان آفریدگانی زمینی که دارندگان پیام‌های آسمانی هستند، جایگاهی بسیار والا دارند؛ گرچه سر بر آستان آسمان می‌سایند، اما گام بر زمین می‌زنند، و با زمینیان می‌زینند. هم‌ازاین‌روی؛ چون همه‌ی زمینیان، در مردمان پیرامون خود، کسانی دارند که با ایشان در پیوند بستگی و خویشاوندی هستند. از همینجا، زمینه‌ی پیدایش چنین پژوهشی فراهم می‌گردد. از سویی، به‌عنوان یک مسلمان، می‌دانم که؛ در آیین اسلام و به‌نزد مسلمانان، خاندان پیامبر^(ص) از جایگاه بسیار بالایی برخوردارند، و از سوی دیگر، می‌دانم که؛ اسلام یکی از سه دین ابراهیمی است؛ سه دینی که پیوندهای نزدیکی با هم دارند، و با همه‌ی ناهمگونی‌های کوچک و بزرگ، در بسیاری از آموزه‌های بنیادین، هم‌سانی‌های معنی‌دار بسیاری نیز دارند. پرسش از کشیده‌شدن یا نشدن دامنه‌ی این هم‌سانی‌ها به مفهوم و مصداق خاندان پیامبران ابراهیمی، و این‌که آیا چنین جایگاه و کارکردی، ویژه‌ی دین اسلام است یا امری مشترک میان ادیان ابراهیمی است؟، زمینه‌ی پیدایش این پژوهش است.

۲-۱ بایستگی پژوهش

آیا چنین پژوهشی، بایسته و اثربخش است؟ پاسخ به بخش نخست این پرسش، در گرو دریافت درست زمینه‌ی پژوهش می‌باشد. پذیرش اهمیت جایگاه و کارکردهای خاندان پیامبر^(ص) در آیین اسلام، و پیوند این آیین با دو دیگر آیین ابراهیمی، می‌تواند بایستگی (Necessity) چنین پژوهشی را به‌نمایش گذارد. به‌ویژه که تا آنجاکه من آگاهی دارم؛ تا کنون، از چنین گوشه‌ای به این موضوع پرداخته نشده، و پژوهش جداگانه‌ای با این نگاه انجام نگردیده‌است. پاسخ به پرسش از اثربخشی (Effectiveness)^۱ این پژوهش نیز در گرو داشتن دریافتی درست، از جایگاه و نسبت ادیان در جهان امروز است. از نگاه من؛ در روزگار بی‌کرانگی داده‌ها، به‌بیشینگی رسیدن هم‌کنشی‌های فرهنگی و دینی، نیاز انسان مدرن به بازگشت دوباره به دامن دین، و پدیدارشدن دیدگاه‌های انسان‌شناختی گوناگون، چنین پژوهشی؛ اگر به‌نیک‌ی پرداخته شود، هم از اثربخشی برخوردار است، و هم برآورنده‌ی برخی از نیازهای علمی ماست.

۱-۳ پرسش‌های کلیدی پژوهش

برپایه‌ی آموزه‌های متون محوری ادیان ابراهیمی؛ از دیدگاه مصداقی، چه نسبتی میان خاندان پیامبران برقرار است؟ آیا ادیان ابراهیمی، بر مصداق‌های خاندان پیامبران، اشتراک دارند؟ آیا این سه دین، به کسانی که با پیامبران پیوند خویشاوندی دارند، به یک گونه می‌نگرند؟ کدام گونه از گونه‌های پیوندهای خویشاوندی با پیامبران، از اهمیت بیشتری برخوردار است؟ از دیدگاه مفهومی، آیا خاندان پیامبران دارای کارکرد(ها) و جایگاه ویژه‌ای هستند؟ اگر آری؛ این جایگاه و کارکرد(ها) چیست؟ آیا با جایگاه و کارکرد خود پیامبران، همانند است؟ درباره‌ی این مفهوم، چه نسبتی میان خاندان پیامبران برقرار است؟ آیا خاندان همه‌ی پیامبران، از این ویژگی‌ها و کارکردها برخوردار هستند؟ آیا می‌توان برپایه‌ی آموزه‌های قرآن و کتاب مقدس، به کارکرد(ها) و جایگاه ویژه‌ی مشترکی میان خاندان پیامبران ادیان ابراهیمی باور داشت؟ هم‌سانی‌ها و ناهم‌سانی‌ها چیست؟ آیا در ساختار دستگاه اندیشه‌ی این ادیان، ریشه دارند؟ آیا این ویژگی‌ها و کارکردها، تنها به خاندان پیامبران اختصاص دارد، یا دیگران نیز از آنها برخوردار هستند؟ آیا می‌توان از این رهگذر، گزاره‌های تازه‌ای درباره‌ی مبانی و نسبت‌های آموزه‌های بنیادین ادیان ابراهیمی، به‌دست داد؟

۱-۴ فرضیه‌ی پژوهش

۱ برای آگاهی بیشتر، بنگرید به: فرامرز قراملکی، ۱۳۸۵؛ ص ۹۲ تا ۹۵.

پیش‌پندار من در این پژوهش، مشترک‌دانستن مفهوم و مصداق خاندان پیامبران، در کتاب مقدس و قرآن است. به‌دیگر سخن، در آغاز چنین می‌پندارم که؛ خاندان پیامبران در قرآن و کتاب مقدس، از پیوندی نزدیک برخوردار هستند، و این مفهوم، در میان ادیان ابراهیمی مشترک است. همچنین، می‌پندارم که خاندان پیامبران در دستگاه اندیشه‌ی ادیان ابراهیمی، دارای جایگاه و کارکردهای ویژه‌ای هستند، و جایگاه و کارکردهای پیامبران و خاندان آنان، از نسبت‌های معنی‌داری برخوردار است. نیز، می‌پندارم که؛ خاندان همه‌ی پیامبران، از چنین ویژگی‌ها و کارکردهایی برخوردار هستند؛ اما دیگران را از ویژگی‌ها و کارکردهای اختصاصی خاندان پیامبران، بی‌بهره می‌پندارم. تلاش می‌کنم برپایه‌ی روش‌هایی که در بخش‌های آینده بازگو خواهم نمود، فرضیه‌ی خود را سنجیده، و آن را به‌سامان کنم.

۱-۵- تنگناهای فراروی پژوهش

این پژوهش نیز همچون هر پژوهش دیگری، با تنگناهایی روبه‌روست، که شاید خواننده‌ی گرامی، خود حتا بهتر از من، بتواند آنها را پیش‌بینی نماید. در اینجا، تنها به چهار نمونه از تنگناهای عمده‌ی فراروی این پژوهش؛ بی‌پیشینگی، ترجمه، گزیده‌نویسی و نوآوری، اشاره می‌نمایم.

بی‌پیشینگی: پژوهش‌های تطبیقی در حوزه‌ی متون ادیان ابراهیمی، آن هم با رویکرد هم‌گرایانه و برپایه‌ی اشتراک‌ها، پدیده‌ی چندان پیشینه‌داری نیست، و حتا دانشجویان و پژوهشگران حوزه‌ی ادیان تطبیقی نیز گرایش چشم‌گیری به پژوهش در این زمینه ندارند. شاید یکی از عوامل این بی‌پیشینگی، کمبود منابع؛ به‌ویژه در حوزه‌ی بررسی‌های آیین یهود، باشد. ناآشنایی دانشجویان رشته‌ی الهیات؛ به‌ویژه در گرایش قرآن و حدیث، با زبان انگلیسی، که بیشتر پژوهش‌های حوزه‌ی کتاب مقدس، و ادیان یهودیت و مسیحیت به آن زبان نوشته می‌شود، نیز بر این کمبود می‌افزاید. گفتنی است؛ چون این پژوهش، به زبان فارسی فراهم آمده‌است، تلاش نمودم تا بیشتر از پژوهش‌های فارسی بهره‌برداری نمایم؛ گرچه در برخی موارد و به‌تناسب اهمیت موضوع و چند و چون منابع موجود، ناگزیر شده‌ام از منابع عربی و انگلیسی نیز بهره‌برداری کنم.

ترجمه: خوشبختانه بیشتر دانشجویان گرایش قرآن و حدیث، آشنایی خوبی با زبان عربی دارند؛ تا جایی که در بسیاری از موارد، خود می‌توانند قرآن را بی‌نیاز از ترجمه‌ی فارسی، بخوانند و بررسی نمایند. اما توانایی خواندن عهد قدیم به عبری، یا عهد جدید به یونانی یا سریانی، نه‌تنها نزد دانشجویان قرآن و حدیث، و نه نزد بسیاری از پژوهشگران حوزه‌ی ادیان ابراهیمی؛ که حتا نزد بسیاری از دانشمندان یهودی و مسیحی نیز یافت

نمی‌شود.^۲ از همین روی؛ برای دریافت سخنان کتاب مقدس، چاره‌ای جز بهره‌برداری از ترجمه‌های موجود، نیست. ناگفته پیداست که؛ دل‌سپردن به این ترجمه‌ها تا چه میزان می‌تواند بهره‌ی پژوهشگر از لایه‌های معنایی متن اصلی را کاهش دهد.^۳ من نیز نتوانسته‌ام متن کتاب مقدس را بی‌گذار از زیست‌گاه ذهن مترجمان، بفهمم. باین‌همه؛ تلاش نمودم تا با بهره‌گیری از بهترین ترجمه‌ها و تطبیق ترجمه‌های گوناگون،^۴ و نیز بررسی متون تفسیری، در اندازه‌ی توان خود، از این کمبود بکاهم.

گزیده‌نویسی: تلاش نموده‌ام تا از افزودن بر حجم ظاهری پژوهش خود، پرهیز کنم. گزیده‌نویسی، البته تا آنجا که آسیبی به مقصود این پژوهش نرساند، برای من یک اصل بوده‌است. اما در برخی موارد،^۵ که از سویی، برای بازگویی درست مطلب، بدان نیاز داشتم، و از سوی دیگر، پیوند کمتری با آموخته‌های متعارف دانشجویان گرایش قرآن و حدیث در دوره‌ی کارشناسی ارشد داشت، به‌ناچار سخن به‌درازا کشید، که جا دارد از این روی؛ از خواننده‌ی گرامی پوزش بخواهم. هرچند شاید بخش‌هایی از این سخنان، برای استادان و دانشجویان رشته‌هایی مانند: فلسفه، زبان‌شناسی یا ادیان، چیزی بیش از یک دوباره‌خوانی خسته‌کننده نباشد، اما من به‌عنوان یک دانشجوی قرآن و حدیث، چاره‌ای جز بازگویی آنها نداشتم.

نوآوری: نوآوری، آن هم در حوزه‌ی پژوهش‌های دینی، به‌ویژه برای کسانی که معنی درست این واژه را می‌دانند،^۶ کار کوچکی نیست. کسی که چنین ادعایی کند را باید که توش فراوانی از دانش به‌دوش باشد. به‌گفته‌ی مک‌گراث (A. McGrath): «غیرممکن است بتوان طوری به مطالعه‌ی الاهیات پرداخت که گویی پیش از آن

۲ برای آگاهی از برخی ویژگی‌های زبان عبری، و دشواری‌های فراروی آموختن کتاب مقدس به زبان اصلی، بنگرید به: طالب‌زاده، حمید، *اسپینوزا و تفسیر متون دینی*، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره‌ی یکصد و هشتاد، زمستان ۱۳۸۵، ص ۳۴ تا ۳۷.

۳ برای آگاهی بیشتر، برای نمونه بنگرید به: سیار؛ ص ۱۷ تا ۲۲ + Eliade; v14, p85&86.

۴ برای نمونه؛ برای رسیدن به اطمینان بیشتر، ترجمه‌های تورات را مقایسه نموده‌ام با: رحمان‌پورداود/زرگری، ماشاءالله/هاراو موسی، *مجموعه‌ی توره و هفطارا با ترجمه‌ی فارسی*، لوس‌آنجلس: انجمن فرهنگی گنج دانش، ۲۰۰۸.

۵ همچون گفتار دوم؛ که در آن پیرامون روش‌شناسی این پژوهش و به‌ویژه درباره‌ی رهیافت تفسیری بینامتنی، و پیوند بینامتنی میان قرآن و کتاب مقدس، سخن‌درازی کرده‌ام؛ بدین امید که خواننده‌ی گرامی بردبارانه آن را بخواند. هرچند گمان می‌کنم؛ بخش‌هایی از این تبیین روش‌شناختی، در انبوه نوشته‌های تطبیقی میان قرآن و کتاب مقدس، چیز تازه‌ای به‌شمار می‌رود. باین‌همه؛ چون: «پرداختن به روش، مانند سینه‌صاف‌کردن است؛ اگر خیلی ادامه پیدا کند، شنوندگان کلافه می‌شوند» (مک‌گراث؛ ص ۱۶۲)؛ هم‌اکنون از خواننده‌ی گرامی از برای طولانی‌شدن بخش روش‌شناسی این پژوهش، پوزش می‌خواهم.

۶ برای آگاهی بیشتر، بنگرید به: فرامرزق‌املکی، ۱۳۸۵؛ ص ۳۷ و ۳۸.

هیچ‌گاه چنین مطالعه‌ای صورت نگرفته است» (ص ۳). بر من نیز چنین سزد که از همین آغاز، این ادعای گران را کنار گذارم. تنها همین اندازه می‌توانم بگویم که؛ چنته‌ی این پژوهش، از برخی سخنانی تازه و نو، چندان تهی نیست، و چنین می‌پندارم که؛ این گفته را تا ادعای نوآوری، راهی بس دراز است.

۱-۶ یادآوری دو نکته‌ی دیگر

بد نیست در پایان بخش کلیات پژوهش، دو نکته‌ی دیگر را نیز بیافزایم:

پیوند این پژوهش با گرایش قرآن و حدیث: گرافه نیست اگر بگویم؛ این پژوهش، بر مرزی باریک میان دو گرایش قرآن و حدیث و ادیان تطبیقی رهسپار است. اما چرا چنین شد؟ در آغازین روزهایی که در گرایش علوم قرآن و حدیث پذیرفته شدم، آنگاه که به عنوان درس‌های نیم‌سال‌های آینده‌ام می‌نگریستم، دو درس «آرای نو در حوزه‌ی قرآن و حدیث» و «مقایسه‌ی قرآن و کتب آسمانی پیشین» کنجکاو می‌انگیخت. با عنوان دیگر دروس، کمی آشنایی داشتم، اما این دو را از گونه‌ی دیگری می‌پنداشتم، و درست آن است که بگویم؛ درباره‌ی آنها هیچ نمی‌دانستم. استاد راهنمای این پژوهش؛ آقای دکتر محمدرضا صفی، تدریس این دو درس را در نیم‌سال سوم برعهده داشتند، و ما دانشجویان را با مفاهیمی چون ساختارگرایی، پدیدارشناسی، پیوند میان قرآن و عهدین و... آشنا نمودند. مفاهیمی که اینک در این پژوهش بسیار مرا به‌کار آمده‌اند. بدین ترتیب، این پژوهش، بیش از دیگر درس‌ها، در راستای مطالب این دو درس است. هرچند، آموخته‌های من از درس تفسیر موضوعی قرآن نیز در فراهم‌نمودن این پژوهش، نقش شایانی داشته‌است.

درباره‌ی منابع: زمان گذاشته‌شده برای گردآوری منابع درخور این پژوهش، از زمان نگارش آن کمتر نبود. به‌ویژه که تلاش نمودم تا هم منابع بالادستی؛ مانند کتاب‌های مرجع و دانش‌نامه‌ها، و هم منابع پایین‌دستی؛ مانند مقالات علمی‌پژوهشی و پایان‌نامه‌های مرتبط با پژوهش خود را، بازیابی و بررسی نمایم. گستردگی موضوع پژوهش، مرا از خواندن انبوه پژوهش‌های گوناگون انجام‌شده در این زمینه، و بررسی و ارزیابی آنهایی که به‌کار می‌آمد، بازداشت. تاجایی که توانستم؛ از آوردن سخنان خام و پردازش‌نشده‌ی دیگران، خودداری نمودم. این کوشش را در پیش‌گرفتم تا از دوباره‌گویی بپرهیزم، و چرخیدن را از چرخ‌ساختن نیاغازم!

شیوه‌ی ارجاع به منابع: در این پژوهش، برای ارجاع به منابع، از روش درون‌متنی: (نام‌خانوادگی نگارنده؛ شماره‌ی جلد، شماره‌ی صفحه) بهره‌برداری نموده‌ام، و هرجا نیاز به توضیح بیشتری داشتم، برای رعایت گزیده‌گویی و کوتاه‌سخنی، آن را در پاورقی آورده‌ام. هرجا از دو نوشته‌ی یک نویسنده بهره‌برده‌ام، با یادکردن از

سال چاپ، آن دو را از هم جدا نموده‌ام: (نام نگارنده، سال چاپ؛ شماره‌ی جلد، شماره‌ی صفحه).^۷ اگر دو کتاب از یک نگارنده در یک سال چاپ شده باشند، به‌ناگزیر نخستین واژه‌ی نام کتاب‌ها را آورده‌ام: (نام نگارنده، نخستین واژه‌ی نام کتاب؛ شماره‌ی جلد، شماره‌ی صفحه). برای جداسازی نویسندگانی که نام‌خانوادگی یکسان دارند، نام کوچک آنها را نیز بی‌درنگ پس از نام‌خانوادگی‌شان، درون دو کمان آورده‌ام: (نام خانوادگی نگارنده (نام نگارنده)؛ شماره‌ی صفحه). هر جا گفته‌ای را مستقیماً آورده‌ام، آن را در میان « » گذاشته‌ام، و اگر برای بهتر فهمیده شدن واژه، عبارت یا جمله‌ای، چیزی بر آن افزوده‌ام، آن را در { } گذاشته‌ام تا خواننده‌ی گرامی بداند که آن بخش از واژه یا جمله، نه از متن اصلی؛ که از من است. اگر گفته‌ای با مضمون یکسان، در چند منبع آمده باشد، آنها را با + از هم جدا نموده‌ام. نگارش لاتین بیشتر نام‌ها و برخی اصطلاح‌های مهم غیر فارسی/عربی را درون () گذاشته‌ام و برای پرهیز از دوباره‌نویسی آنها، این کار را تنها در نخستین جایی از متن که چنین نام‌هایی آمده‌اند، انجام داده‌ام. ترجمه‌ی فارسی همه‌ی جمله‌های انگلیسی، و بیشتر جمله‌های عربی را نیز، بی‌درنگ پس از اصل آنها، درون () آورده‌ام. در برخی منابع؛ به‌ویژه منابع اینترنتی و تفسیرهای کتاب‌مقدس، که تنها نسخه‌ی الکترونیکی متن در اختیارم بوده‌است، امکان درج شماره‌ی جلد و صفحه را نداشته‌ام. با این همه؛ دستیابی به متن موردنظر چندان دشوار نیست. در منابع اینترنتی؛ بهره‌گیری از سامانه‌های جستجوگر اینترنتی و یافتن متن موردنظر، می‌تواند مشکل را به‌خوبی برطرف نماید. در تفسیرهای کتاب‌مقدس نیز، مراجعه به تفسیر آیات موردنظر در نسخه‌ای که مشخصات آن را در کتاب‌شناسی پایانی آورده‌ام، می‌تواند راهگشا باشد. ارجاع به آیات قرآن و کتاب‌مقدس را به گسترده‌ترین گونه‌ی ممکن انجام داده‌ام و از هرگونه کوتاه‌نویسی و به‌کاربردن نشانه‌های گوناگون، پرهیز نموده‌ام. گزیده‌ی منابع پژوهش را در پایان آورده‌ام. این گزیده، همه‌ی منابعی که دست‌کم یک‌بار در متن اصلی، یا بیش از یک‌بار در پانویس‌ها آمده‌اند را دربرمی‌گیرد. به‌دیگر سخن؛ از آوردن منابعی که تنها یک‌بار در پاورقی به آنها ارجاع داده‌ام، خودداری ورزیده‌ام.

^۷ گفتنی‌است؛ (۱) برای ارجاع به منابعی که برابر روش فهرست‌نویسی کتابخانه‌ی ملی ایران، عنوانی غیر از نام نگارنده، در سرشناسه قرار گرفته، از همین روش پیروی کرده‌ام. (۲) تنها در یک نمونه (Encyclopedia of Islam; 2nd Edition)، به‌جای آوردن نام کامل منبع، آن را به‌صورت «EI²» کوتاه‌نویسی کرده‌ام.

گفتار دوم؛ روش‌شناسی پژوهش

۱-۲ نگاهی گذرا به بررسی‌های تاریخی و تطبیقی در حوزه‌ی الاهیات^۸

عنوان این پژوهش؛ «بررسی تاریخی خاندان پیامبران در قرآن و مقایسه‌ی آن با عهدین»، با دو واژه‌ی کلیدی، که هریک در جای خود، بازگوکننده‌ی روش این پژوهش هستند، پیوند می‌خورد: تاریخی و تطبیقی. روش‌های

۸ گرایش به پژوهش درباره‌ی اسلام، نه‌تنها به‌عنوان یک فرهنگ یا تمدن؛ بلکه به‌عنوان یک دین، به‌ویژه در پرتو روش‌های تاریخی و تطبیقی، در نیم‌سده‌ی اخیر در میان خاورپژوهان، به‌خوبی دیده می‌شود. برای آگاهی بیشتر، بنگرید به: هوشنگی؛ ص ۱۸۰. با این‌همه؛ دانشمندان مسلمان، تلاش درخوری در راه پژوهش‌های روش‌مند تاریخی و تطبیقی برای شناخت بیشتر و بهتر ادیان دیگر؛ به‌ویژه دو دین ابراهیمی، از خود نشان نمی‌دهند. برای آگاهی بیشتر، بنگرید به: وات؛ ص ۷۰ و ۷۱. شاید یکی از برجسته‌ترین عوامل فروماندن این تلاش از سوی دانشمندان مسلمان، ناآگاهی آنان از چنین روش‌هایی باشد.

تاریخی و تطبیقی، برخلاف حوزه‌ی پژوهش‌های اجتماعی؛^۹ در حوزه‌ی پژوهش‌های الهیاتی از کارآیی بالایی برخوردارند. از این روی؛ گذرکردن شتاب‌زده از این دو عنوان، که شالوده‌های روش‌شناختی پژوهش مرا نمایان می‌کنند، می‌تواند به آنچه در پیش روی دارم، آسیب بزند.^{۱۰} در این بخش، اندکی به بررسی این دو عنوان نزدیک و درهم‌تنیده، خواهم پرداخت، تا از این رهگذر، معیارهای روش‌شناختی این پژوهش را به دست دهم.

۲-۱-۱ پیشینه و چستی بررسی‌های تاریخی

روش بررسی تاریخی (Historic study) در حوزه‌ی الهیات، به چه معنی است؟ آیا اگر داده‌های الهیاتی را برپایه‌ی ترتیب تاریخی آنها بررسی کنیم، رهیافتی تاریخی انجام داده‌ایم؟ آیا رهیافت تاریخی بدین معناست که؛ باید برداشت‌های الهیاتی برپایه‌ی مدارک تاریخی مستند، استوار باشند؟^{۱۱} آیا چنین تعریفی، می‌تواند در بردارنده‌ی گونه‌ای رویکرد روش‌شناختی باشد؟ برای دریافت درست چستی روش تاریخی، نخست باید دید؛ امر تاریخی چیست؟ می‌توان امر تاریخی را، اندیشه یا پدیداری دانست که؛ چنان در بستر زمان، روان می‌گردد، که در زندگی آیندگان نیز بازتاب می‌یابد (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۵؛ ص ۲۶۹). بر این پایه، می‌توان بررسی تاریخی را چنین تعریف نمود: «وقتی حادثه یا تفکر تاریخی را در حیات تاریخی آن و در پرتو آثار، نتایج، رقبا، امثال و... می‌شناسیم، و به جای جست‌وجو از پیشینه و علل آن، به جست‌وجو از آثار و پیامدهای آن می‌پردازیم، در واقع مطالعه‌ی تاریخی می‌کنیم» (همان؛ ص ۲۷۰). در چنین تعریفی از بررسی تاریخی، که دقیقاً در برابر

۹ برای آگاهی بیشتر، برای نمونه بنگرید به: طالبان، محمدرضا، معضل استدلال علمی در تحقیق‌های تطبیقی-تاریخی، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلّم، سال سیزدهم، شماره‌ی پنجاهم و پنجاه‌ویکم، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، ص ۱۲۳ تا ۱۴۲.

۱۰ جسترو (M. Jastrow) در سرآغاز کتاب مطالعه‌ی دین (The Study of Religion) خود، بیش از هر چیز؛ بر اهمیت برجسته‌ی روش‌شناسی در پژوهش‌های دینی، و تأثیر آن بر دستاوردهای این پژوهش‌ها، تأکید می‌کند (دین‌پژوهی؛ ص ۹۱ و ۹۲).

۱۱ خدایار محبی، در تعریفی فراخ؛ رهیافت تاریخی را به معنی پذیرش گزاره‌هایی می‌داند که برپایه‌ی مدارک کتبی و مستند استوار باشند (ص ۲۴۲). به گفته‌ی وی؛ در آغاز سده‌ی بیستم میلادی، فان هارناک (A. Von Harnack)، پژوهش‌های دینی جدا از بررسی‌های تاریخی و زبان‌شناختی را، بی‌ارزش می‌خواند (ص ۲۳۹). با این همه؛ نمی‌توان چنین تعریفی را در بردارنده‌ی دیدگاه روش‌شناختی جداگانه‌ای به‌شمار آورد. برای آگاهی از ابهام‌های موجود پیرامون چستی بررسی‌های تاریخی در حوزه‌ی الهیات، برای نمونه بنگرید به: فرامرز قراملکی، ۱۳۸۵؛ ص ۲۶۶.